



خروج از NPT راه حل نیست
محمد عطریان‌فر



بازگشت تحریم‌ها
سید جلال ساداتیان و امیرعلی ابوالفتح



این دوزن
موفقیت‌های عاطفه جدگال و مرضیه جعفری



هدف پنهان ماشه

مکانیسم ماشه فعال شد و تحریم‌های ظالمانه آمریکا و سازمان ملل، از این پس زندگی مردم ایران را تحت تاثیر قرار می‌دهند. اما در این بین؛ خوشحالی برخی از سیاسیون و تندروهای داخلی از مرگ برجام، که هم نشانه شکست دیپلماسی است و هم عامل گسترش فقر و فساد، عجیب به نظر می‌رسد! سازندگی به بررسی این موضوع پرداخته است



جمشید پیش‌قدم

گروه اقتصاد

با فعال شدن مکانیسم ماشه و بازگشت تحریم‌ها، تیر خلاص نه به دیپلماسی بلکه به سفره خانوارهای متوسط و فقیر شلیک شده است. آنچه بازمی‌گردد، اگر چه نامش تحریم‌های چند لایه سازمان ملل است اما در واقع بازگشت

بی‌رحمانه فقر، گسترش فساد است که پیش‌تر هم استخوان این دو طبقه جامعه را خرد کرده بود. در این میان، شگفت‌انگیز و تلخ است که برخی چهره‌های سیاسی، نمایندگان مجلس و جریان‌هایی نزدیک به تفکر پایداری و سعید جلیلی از فروپاشی برجام سرمست‌اند؛ گویی مرگ توافق، سند حقانیت گذشته آنان است. اما این شادی، اگر شادی باشد، نه از جنس پیروزی گفتمان بلکه از جنس بی‌تفاوتی نسبت به رنج و آلام مردم است. برجام، با همه کاستی‌هایش، سپری بود در برابر تحریم‌های فلج‌کننده. و حالا با کنار رفتن آن سپر، نخستین قربانیان نه نهادهای دولتی یا حکومتی بلکه همان مردمی هستند که سال‌هاست زیر بار تورم، بیکاری، ناکارآمدی و بی‌عدالتی خم شده‌اند. مرگ برجام اگر چیزی را اثبات کند، نه حقانیت سیاسی بلکه شکست اخلاقی عده‌ای است. شکستی که در آن سیاست‌ورزان به جای پاسخ‌گویی به خوشحالی مشغول‌اند و طبقات جامعه، بی‌صدا، بار دیگر قربانی می‌شوند. عجیب است که سعید جلیلی بلافاصله پس از مرگ برجام و بازگشت تحریم‌ها، یکی از توثیقه‌های قدیمی خود را بازنشر کرده و می‌نویسد: «خسارت محض ۱۰ سال گذشت.» او در سال ۱۳۹۷ نوشته بود: «افتخار می‌کنیم در دوره ما توافقی امضا نشد که اگر طرف مقابل آن را نقض کند، ایران حتی نتواند شکایت کند!» اشاره جلیلی به توافق برجام و خروج ترامپ از آن در سال ۱۳۹۷ بود. جلیلی یکی از مخالفان سرسخت برجام بود و در عین حال در دوران مذاکراتش با کشورهای غربی نه تنها هیچ دستاوردی به دست نیاورد بلکه تحریم‌هایی هم بر ایران تحمیل شد. اکنون جلیلی‌چی‌ها که به یک تفکر تندرو گسترش پیدا کرده‌اند از مرگ برجام و به تبع آن، بازگشت تحریم‌های سازمان ملل خوشحال‌اند. اما آنها چه کسانی هستند؟

ادامه در صفحه ۶

EPD



پیشنهاد پزشک‌هایان به ترامپ

رئیس‌جمهور ایران می‌گوید: با فعال شدن مکانیسم ماشه، از NPT خارج نمی‌شویم اگر رئیس‌جمهور آمریکا تحریم‌های ایران را لغو کند، حاضر به گفت‌وگو با او هستیم



ایران

یادداشت روز

از فرار مغزها تا فرار ژن‌ها

پیامد خروج نخبگان از کشور برای اقتصاد و توسعه منابع انسانی ایران



سیده فاطمه مقیمی

نایب‌رئیس سازمان زنان حزب کارگزاران سازندگی ایران

امروز می‌خواهم با شما درباره مسأله بسیار حیاتی و تعیین‌کننده در آینده کشورمان سخن بگویم: فرار مغزها و بالاتر از آن، فرار ژن‌ها. موضوعی که نه فقط زیان علمی یا فرهنگی بلکه هزینه اقتصادی، سیاسی و تمدنی دارد و اگر به آن بی‌توجهی کنیم، تبعات آن تا دهه‌ها گریبان کشور را خواهد گرفت. ابتدا نگاهی به وضعیت فعلی براساس آمار رسمی خواهیم داشت:

- طبق گزارش Migration Policy و سایر منابع معتبر هر سال حدود ۱۵۰ تا ۱۸۰ هزار متخصص تحصیل کرده از ایران مهاجرت می‌کنند.
- تعداد دانشجویان ایرانی خارج کشور در سال ۲۰۲۱ به ۷۱۲۴۸ نفر رسیده است.
- نرخ فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بیکار (در داخل ایران) نزدیک به ۵۰ درصد در برخی گزارش‌ها برآورد شده است.

- در چهار سال اخیر تعداد دانشجویان خارج ایران از حدود ۶۰،۰۰۰ نفر به تقریباً ۱۱۰،۰۰۰ نفر افزایش یافته است.

این آمارها نشان می‌دهند که ما نه در حاشیه فرار مغزها که در قلب آن هستیم! اتفاقی که باید نگرانی جدی ما باشد.

برخی پیامدهای اقتصادی و توسعه‌ای فرار مغزها عبارتند از:

- سرمایه‌گذاری عمومی و خصوصی برای آموزش این افراد در سطح کارشناسی، تحصیلات تکمیلی و طرح‌های پژوهشی، هزینه بسیار بالایی در بر دارد و خروج آنان یعنی از بین رفتن آن سرمایه‌گذاری، اتلاف منابع و عدم بازگشت منافع ناشی از سرمایه‌گذاری چند دهه‌ای یک ملت!

- فقدان متخصص در حوزه‌های کلیدی موجب کاهش کیفیت خدمات عمومی، ضعف در نوآوری، افزایش هزینه واردات فناوری و وابستگی بیشتر به دانش و محصولات خارجی می‌شود.

- امید به تغییر و نگاه به آینده تحت تأثیر این روند به شدت آسیب دیده است؛ جوانانی که بهترین رتبه‌ها را کسب می‌کنند، وقتی می‌بینند مسیر پیشرفت شفاف نیست و یا بستگی به رابطه و سیاسی بودن دارد به سرعت راه مهاجرت را انتخاب می‌کنند و این یعنی اتلاف استعداد و اتلاف فرصت برای رشد داخلی.

موضوع فرار مغزها از جنبه ژنتیکی نیز موضوعیت دارد؛ چالشی که آن را می‌توان فرار ژن‌ها نامید.

می‌خواهم یک نکته کلان‌تر از اتلاف منابع اقتصادی عرض کنم، فرار مغزها صرفاً خروج تخصص و تجربه نیست بلکه فرار ژن‌هایی است که می‌توانند، نسل آتی کشور را بسازند. نخبگان با استعدادها شناختی برتر با پشتوانه خانوادگی و با تربیت مناسب اگر در کشور باقی بمانند، می‌توانند نسل‌های بعدی را نیز شکل دهند. اما وقتی این ژن‌ها بروند، ژنتیک نسل بعدی هم لطمه می‌بیند. این یک حقیقت دیرپا و برگشت‌ناپذیر است اگر جلوی آن را نگیریم. لازم است قبل از قضاوت کردن نخبگانی که مهاجرت را برمی‌گزینند، موانع درونی اصلی ماندگاری این افراد در کشور خودمان را ببینیم؛ برخی از موانعی که امروز متخصصان را به ترک کشور سوق می‌دهند، عبارتند از:

- گزینش‌های رانتی، وابستگی سیاسی و خویشاوندی به جای شایسته‌سالاری

ادامه در صفحه ۶

گفتار روز

محمد عطریان‌فر:

خروج از NPT راه‌حل نیست



محمد عطریان‌فر، عضو شورای مرکزی و معاون سیاسی دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران در گفت‌وگو با «ا‌کو ایران» به ارزیابی سخنرانی مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران در مجمع

عمومی سازمان ملل پرداخت و با اشاره به محدودیت‌های دیپلماتیک ناشی از مواضع اخیر رهبری، شرایط کنونی سیاست خارجی و اقتصاد ایران را تشریح کرد.

عطریان‌فر در آغاز با اشاره به سخنان رئیس‌جمهوری گفت: مواضع آقای پزشکیان در چارچوب محدود امکانات موجود، حضور و سخنرانی او در سازمان ملل قابل دفاع و حتی خوب ارزیابی می‌شود. دلیل این ارزیابی هم به شرایطی برمی‌گردد که پیش از سفر رئیس‌جمهوری به نیویورک شکل گرفت. مقام معظم رهبری درست یک روز قبل از اعزام آقای پزشکیان، سخنانی مبسوط کردند و در بخشی مهمی از آن به صراحت درباره عدم خاصیت مذاکره مستقیم با آمریکا تأکید داشتند. طبیعی است که این موضع‌گیری، شرایطی خاص برای رئیس‌جمهوری در سازمان ملل ایجاد کرد. او افزود: پیش از این، ظرفیت ذهنی و فکری نخبگان ایرانی بر این دلالت داشت که اگر رئیس‌جمهوری بتواند اختیارات گسترده‌تری نسبت به روسای جمهور پیشین - از جمله آقای روحانی - در ارتباط مستقیم با مقامات ارشد آمریکایی به دست آورد شاید بن‌بست موجود در موضوع تحریم‌ها به شکل دیگری مدیریت شود. برخی بر این باور بودند که گفت‌وگوی مستقیم می‌تواند به توقف یا حل تحریم‌ها منجر شود. اما با توجه به تشخیص سیاسی رهبر انقلاب و تأکید ایشان بر بی‌فایده بودن چنین مذاکراتی، طبیعی است که هرگونه اقدام مستقل از سوی رئیس‌جمهوری نه تنها کارایی نداشت بلکه می‌توانست با واکنش منفی روبه‌رو شود.

عطریان‌فر تأکید کرد: بیانه مکتوبی که آقای پزشکیان در سازمان ملل ارائه کرد، در واقع پاسخی به همین موارد بود. هر چند احتمال عقلایی وجود دارد که مذاکره مستقیم بتواند، بخشی از مشکلات ایران را رفع کند اما اقدام بدون هماهنگی، حرکتی تدریجانه و بی‌نتیجه تلقی می‌شود. از این رو در چارچوب محدودیت‌ها و امکانات سیاسی موجود، عملکرد رئیس‌جمهوری در پیشبرد دیپلماسی ایران قابل دفاع است.

وی سپس به پیامدهای اقتصادی تحریم‌ها اشاره کرد و گفت: آثار و تبعات اقتصادی تحریم‌ها روشن است. بارها تأکید شده که تحریم‌ها، آسیب جدی به اقتصاد ایران وارد کرده به‌ویژه تحریم‌های گسترده آمریکا بسیار بیشتر از تحریم‌های سازمان ملل خسارت‌زا بوده است. البته تحریم‌های سازمان ملل نیز کم‌اثر نیست اما اگر ظرفیت تحریم‌های جدید به تحریم‌های پیشین اضافه شود، نوسانات شدید اقتصادی و فشار بر معیشت مردم اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. عطریان‌فر با اشاره به اینکه زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی ایران امروز آسیب‌پذیرتر از قبل هستند؛ تورم مزمن، کسری بودجه و کاهش اعتماد عمومی شرایطی ایجاد کرده که تاب‌آوری جامعه در برابر فشارهای خارجی کمتر است، ادامه داد: با این حال پیش‌بینی اقتصاددانان این است که در صورت بازگشت تحریم‌های سازمان ملل، دولت می‌تواند ظرف دو تا سه هفته شرایط اقتصادی را به‌طور نسبی مدیریت و کنترل کند.

او افزود: بخش مهم‌تری از این ماجرا، آثار سیاسی و بین‌المللی آن است. فعال شدن مکانیسم ماشه می‌تواند، مدیریت استراتژیک روابط ایران با جهان را دشوارتر کند. در چنین شرایطی، مهم‌ترین مأموریت سیاستمداران، مدیران ارشد، دستگاه دیپلماسی و بخش دفاعی کشور، حفظ امنیت سرزمینی، تقویت اعتماد عمومی و افزایش انسجام ملی خواهد بود. دولت نیز وظیفه دارد با زبان منطقی‌تری با جامعه سخن بگوید تا فشارهای اقتصادی بر طبقات مختلف کاهش یابد و از بار منفی تحریم‌ها کاسته شود.

او در پاسخ به پرسشی درباره برخی پیشنهادها برای خروج ایران از معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) توضیح داد: این موضوع بارها مطرح شده اما باید توجه داشت که در شرایط بحرانی تقریباً همه نهادهای حقوقی کشور زیر نظر تدابیر شورای عالی امنیت ملی عمل می‌کنند و مصوبات این شورا به تأیید رهبری می‌رسد. بنابراین اظهارنظرهای تند یا طرح‌های پارلمانی در چنین شرایطی، خاصیت عملی ندارد. ابزار پارلمان باید در خدمت تدابیر امنیت ملی باشد. ما در شرایط عادی نیستیم که چند نماینده بتوانند با طرح‌های فردی، فضای سیاسی را تغییر دهند.

نمایندگان مجلس باید از درک ملی برخوردار باشند و به گونه‌ای رفتار کنند که هیچ خللی در تدابیر کلان کشور ایجاد نشود.

پیشنهاد پزشکیان به ترامپ

رئیس‌جمهور در مصاحبه با ان‌بی‌سی و نشست‌های حاشیه‌ای مجمع عمومی سازمان ملل از خطوط قرمز هسته‌ای، تماس‌های دیپلماتیک و نگاه تهران به تحولات منطقه سخن گفت



عاطفه شمس

گروه سیاسی



حضور رئیس‌جمهور در هشتادمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک، فرصتی برای بازخوانی دوباره مواضع ایران در برابر غرب و منطقه بود. پزشکیان شامگاه جمعه در مصاحبه با شبکه NBC آمریکا برای نخستین بار صریحاً شرط مذاکره با دونالد ترامپ را لغو تحریم‌ها اعلام کرد؛ موضعی که می‌تواند هم سیگنالی از آمادگی تهران برای انعطاف در شرایط برابر تلقی شود و هم هشداری که بدون رفع فشارها، گفت‌وگو معنایی نخواهد داشت. سخنان او در حاشیه دیدارها و نشست‌های جانبی نیز بر همان خط اصلی استوار بود، اینکه ایران حاضر به مصالحه بر سر اصول و حقوق مشروع خود نیست اما در عین حال راه دیپلماسی را مسدود نمی‌بیند.

شرط مذاکره با ترامپ

رئیس‌جمهور شامگاه جمعه طی مصاحبه‌ای با رسانه خبری «ان‌بی‌سی نیوز» عنوان کرد: «اگر ترامپ تحریم‌ها را بردارد با او گفت‌وگو خواهم کرد». او با تأکید بر اینکه «ایران هیچ‌گاه به دنبال سلاح هسته‌ای نبوده، نیست و نخواهد بود» تصریح کرد: «اگر بنا باشد ما را متهم کنند، اجازه بازدید از مراکز هسته‌ای را نخواهیم داد. چگونه انتظار دارند بعد از فعال شدن اسنپ‌بک چنین اجازه‌ای بدهیم؟» این بخش از سخنان پزشکیان تلاشی بود برای ترسیم خطی روشن میان گفت‌وگوی برابر و مذاکره تحت فشار؛ همان «دیپلماسی مشروط» که طی دو دهه گذشته شالوده سیاست ایران در برابر غرب بوده است.

رئیس‌جمهور در بخش دیگری از اظهارات خود فاش کرد که عباس عراقچی، عضو تیم سیاست خارجی ایران در طول مجمع عمومی سازمان ملل، تماس‌هایی با استیو ویتکاف داشته و ارتباطاتی به صورت واسطه‌ای از طریق فرانسه نیز برقرار شده است. او تأکید کرد: «ما آمادهایم اگر طرف مقابل دستورات خود را اجرا کند و تحریم‌ها لغو شود، در چارچوب گفت‌وگوهای منطقی پیش برویم. اما نمی‌توانیم زیر بار خواسته‌های غیرمنطقی برویم». اشاره مستقیم پزشکیان به تماس‌های دیپلماتیک نشان می‌دهد که کانال‌های غیررسمی و میانجی‌گر هنوز زنده‌اند و ایران حتی در پرتش‌ترین مقاطع، ارتباطات پنهان و آشکار را از دست نداده است.

گفت‌وگو با خبرنگاران پیش از ترک نیویورک

رئیس‌جمهور همچنین بامداد دیروز پیش از بازگشت به تهران در جمع خبرنگاران با اشاره به مذاکرات هسته‌ای گفت: «صدای مظلومیت و حقانیت مردم ایران را به گوش جهانیان رساندیم. درخصوص مکانیسم پس‌گشت به تفاهم نرسیدیم زیرا درخواست آمریکا غیرقابل قبول بود. با طرف‌های اروپایی به نتیجه رسیدیم اما نگاه آمریکا چیز دیگری است. آنها می‌خواهند

احزاب

صدای اصلاحات

اعتراض جبهه اصلاحات به احضار اعضای هیأت رئیسه و دفاع از بیانیه ۱۱ ماده‌ای

در مسیر اصلاح ساختارهای ناکارآمد، تقویت نهادهای منتخب، شفاف‌سازی حکمرانی و بازسازی اعتماد عمومی گام بردارد. اعضای جبهه اصلاحات تأکید کرده‌اند که چنین رویکردی نه تهدیدی برای امنیت ملی بلکه راهی برای تحکیم وحدت، افزایش سرمایه اجتماعی و ارتقای کارآمدی نظام است. آنان با یادآوری سابقه تاریخی و نقش‌آفرینی اصلاح‌طلبان در مقاطع حساس کشور، ادعا کرده‌اند که این جریان صلاحیت لازم برای ارائه دیدگاه‌های ملی و دلسوزانه را داراست.

آنچه اعتراض اصلاح‌طلبان را برانگیخته، احضار ۵ عضو هیأت رئیسه جبهه به مراجع قضایی است. آنان این اقدام را اقدامی نگران‌کننده دانسته و اعلام کرده‌اند اگر قرار است بابت بیانیه پیگردی صورت گیرد، همه امضاکنندگان خود را مسئول می‌دانند و آماده پاسخ‌گویی هستند. به گفته آنان بیانیه اصلاحات، تصمیمی جمعی بوده و تلاش برای نسبت دادن آن به افراد معدود نادرست است.

مقابل است، نه ایران.

پزشکیان همچنین در پاسخ به پرسشی درباره احتمال جنگ گفت: «ما نه به دنبال جنگ هستیم و نه از آن می‌ترسیم. ایران هیچ‌گاه آغازگر جنگ نبوده اما اگر کسی به ما حمله کند، پاسخ کوبنده خواهد گرفت». این ادبیات دوگانه هم در امتداد سیاست رسمی نظام قرار دارد و هم پاسخی است به تبلیغات غرب که ایران را تهدیدگر منطقه معرفی می‌کند؛ تصویری که پزشکیان تلاش داشت با تأکید بر بازدارندگی و دفاع مشروع آن را معکوس کند.

رئیس‌جمهور بار دیگر تصریح کرد: «دکترین عملیاتی ایران همان است که رهبر انقلاب فرموده‌اند؛ ما به دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم و نخواهیم بود». او افزود: «اگر ضعیف باشیم ما را خرد خواهند کرد. باید قدرت علمی، فرهنگی و دیپلماتیک خود را افزایش دهیم و با وحدت و انسجام از این بحران‌ها عبور کنیم». تکرار فتوای رهبر انقلاب در این موضع‌گیری عملاً خط قرمزی است که ایران در سیاست خارجی خود همواره به آن تکیه و به وسیله آن، مشروعیت بین‌المللی مواضع خود را تقویت می‌کند.

درنهایت، مجموع اظهارات و مواضع پزشکیان در نیویورک را می‌توان بر پایه این منطق واحد خواند که ایران آماده گفت‌وگو است اما نه از موضع ضعف؛ مسیر دیپلماسی باز است اما تنها در شرایطی که تحریم‌ها برداشته و حقوق ملت ایران محترم شمرده شود. تأکید بر پایبندی به NPT بازدارندگی در برابر تهدید جنگ و استناد مکرر به فتوای هسته‌ای رهبر انقلاب از سوی رئیس‌جمهور، پیام روشن تهران را به جهانیان منتقل کرد؛ ایران تهدیدگر نیست اما از حقوق خود نیز کوتاه نخواهد آمد. این خط‌مشی نشان می‌دهد که حتی در برابر شدیدترین فشارها، راهبرد «نه به تسلیم، آری به مذاکره برابر» همچنان محور حرکت دستگاه دیپلماسی ایران باقی مانده است.

در بخشی از نامه، نویسندگان به سخنان پیشین رئیس قوه قضاییه اشاره کرده‌اند که بر ضرورت شنیدن دیدگاه‌های متفاوت و گفت‌وگو به جای سوءظن تأکید داشت. آنان با استناد به همین سخنان، ابراز تأسف کرده‌اند که به جای استقبال از تقد‌های دلسوزانه، برخوردهایی صورت می‌گیرد که فضای گفت‌وگو را محدودتر می‌کند.

اصلاح‌طلبان در این نامه مسیر اصلاح‌طلبی را دشوار، پرچالش اما اجتناب‌ناپذیر دانسته‌اند. آنان گفته‌اند که با درک شرایط پیچیده کشور و با احساس مسئولیت در برابر ملت ایران حاضرند، هزینه‌های احتمالی این مسیر را بپذیرند. به باور آنان خاموش کردن صدای منتقدان و نادیده گرفتن ظرفیت‌های اصلاح‌طلبی نه به سود نظام است و نه به نفع مردم. در پایان بار دیگر بر عهد خود با ملت ایران تأکید کرده‌اند و گفته‌اند، آماده‌اند برای تحقق اصلاحات سازنده و گشایش در شرایط کشور، هزینه‌های آن را متحمل شوند.

بازگشت بلر

ترامپ تصمیم دارد مدیریت غزه را به تونی بلر واگذار کند

طرح واگذاری مدیریت غزه به تونی بلر، نخست‌وزیر سابق بریتانیا بار دیگر نشان‌دهنده تلاش غرب برای تحمیل راه‌حل‌های از بالا به پایین بر مساله فلسطین است؛ راه‌حلی که نه بر اساس خواست ملت فلسطین بلکه بر اساس منافع قدرت‌های غربی و متحدان منطقه‌ای آنها طراحی می‌شود. نخستین حضور بلر در این پرونده به ژوئن ۲۰۰۷ بازمی‌گردد؛ زمانی که بلافاصله پس از کناره‌گیری از نخست‌وزیری بریتانیا به‌عنوان «فرستاده ویژه گروه چهارجانبه صلح خاورمیانه» منصوب شد. این گروه متشکل از سازمان ملل، آمریکا، اتحادیه اروپا و روسیه در عمل تحت نفوذ واشنگتن عمل می‌کند. انتصاب بلر همزمان با تسلط حماس بر غزه صورت گرفت؛ رخدادی که نتیجه انتخابات دموکراتیک و خواست مردم فلسطین بود اما از سوی غرب و رژیم صهیونیستی با تحریم و محاصره پاسخ داده شد. بلر با مأموریتی تحت عنوان «دولت‌سازی فلسطین» وارد میدان شد؛ مأموریتی که در ظاهر هدفش، تقویت نهادهای حکمرانی و توسعه اقتصادی بود اما در عمل با نادیده گرفتن مسائل بنیادین مانند حق بازگشت آوارگان، تعیین مرزها و پایان اشغالگری به دنبال تثبیت وضع موجود و تضعیف جریان‌های مقاومت بود. نزدیکی آشکار بلر

به آمریکا و رژیم صهیونیستی و نقش مستقیم او در جنگ عراق موجب شد، اعتبار او در جهان اسلام و غرب به شدت زیر سؤال برود. مرحله دوم حضور بلر در پرونده فلسطین به طرحی پس از جنگ ویرانگر ۲۰۲۳-۲۰۲۴ مربوط می‌شود؛ جنگی که با حمایت کامل غرب و سکوت نهادهای بین‌المللی، هزاران شهید و مجروح و ویرانی گسترده در غزه بر جای گذاشت. در این شرایط، مؤسسه تونی بلر برای تغییر جهانی، طرحی موسوم به «سازمان گذار بین‌المللی غزه» (GITA) را ارائه داده که مورد توجه آمریکا و برخی کشورهای عربی قرار گرفته است. این طرح به‌جای پاسخ به خواست ملت فلسطین برای پایان اشغال و محاصره به دنبال مدیریت بحران به شیوه‌ای تکنوکراتیک و غیرسیاسی است؛ رویکردی که عملاً مقاومت را حذف و اشغالگری را تثبیت می‌کند. بر اساس این طرح، یک نهاد بین‌المللی با مأموریت‌هایی چون کمک‌های بشردوستانه، بازسازی، تأمین امنیت و مقابله با افراط‌گرایی به مدت ۵ سال اداره غزه را در دست می‌گیرد سپس آن را به تشکیلات خودگردان فلسطین واگذار می‌کند؛ نهادهی که در شرایط فعلی فاقد مشروعیت مردمی و توان اجرایی است. حمایت برخی چهره‌های نزدیک به ترامپ از این طرح و تلاش برای گرفتن

دیپلماسی

بازگشت تحریم‌ها

سناریوهای پیش روی ایران در گفتگو با سیدجلال ساداتیان و امیرعلی ابوالفتح کارشناسان سیاست خارجی



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

جمعه شب، چهارم مهرماه برابر با ۲۷ سپتامبر، نشست شورای امنیت سازمان ملل شاهد یکی از مهم‌ترین رخدادهای مرتبط با پرونده هسته‌ای ایران بود. در این نشست، قطعنامه پیشنهادی روسیه و چین برای تمدید ۶ ماهه برجام به رأی گذاشته اما با شکست مواجه شد.

نتیجه رأی‌گیری چنین بود: کشورهایی چون، روسیه، پاکستان و الجزایر به این قطعنامه رأی مثبت دادند. در مقابل، فرانسه، انگلیس،

آمریکا، سیرالئون، اسلوونی، دانمارک، پاناما،

سومالی و یونان با آن مخالفت کردند. همچنین

کره جنوبی و گویان رأی ممتنع دادند. پس از

اعلام نتایج، نماینده آمریکا در شورای امنیت

سخن گفت و مدعی شد، ایران نتوانسته

نگرانی‌های تروئیکای اروپایی درباره ذخایر

هسته‌ای خود را برطرف کند. او تأکید کرد:

«ما از اعمال مجدد تحریم‌های سازمان ملل

علیه ایران که از عصر شبیه اجرایی خواهد شد،

حمایت می‌کنیم». وی همچنین افزود: «روسیه و چین باید به ایران فشار بیاورند تا گام‌های فوری برای اجرای تعهداتش بردارد».

نماینده فرانسه نیز در ادامه، موضع مشابهی اتخاذ کرد و گفت: «ما تلاش‌های دیپلماتیک بسیاری انجام دادیم تا راه‌حلی بیابیم که

از بازگشت تحریم‌ها علیه ایران جلوگیری شود. انتظار داشتیم، ایران گام‌های مشخصی بردارد اما این کشور از انجام آن امتناع ورزید».

در مقابل، نماینده روسیه با لحنی تند به انتقاد از آمریکا پرداخت و گفت: «ایران نشان داده، طرفی عاقل است و همان‌طور که در توافق

قاهره نیز اتفاق افتاد، تمایل خود را برای همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ابراز کرده است. ایران آماده گفت‌وگو بود اما واشنگتن

نپذیرفت. این دیپلماسی نیست بلکه فریب و تقلب است».

نماینده انگلیس هم همسو با آمریکا و فرانسه مدعی شد: «سه کشور اروپایی، مذاکراتی بی‌وقفه داشتند تا ایران به تعهدات برجامی

خود بازگردد. اما ایران همچنان در حال انباشت اورانیوم غنی شده با خلوص بالا است بدون اینکه توجیه غیرنظامی معقولی وجود داشته

باشد. ما متعهدیم راه‌حلی بیابیم که تضمین کند، ایران هرگز به سلاح هسته‌ای دست پیدا نکند».

با شکست این قطعنامه، تحریم‌های گذشته سازمان ملل بار دیگر فعال خواهند شد. این تحریم‌ها شامل مجموعه‌ای از قطعنامه‌های

مختلف است:



عربستان نیز در همین راستا انجام شده است. این تحرکات نشان‌دهنده تلاش برای ایجاد اجماع منطقه‌ای به نفع طرحی است که نه بر اساس خواست ملت فلسطین بلکه بر اساس منافع غرب و متحدانش طراحی شده است. در مجموع انتخاب بلر برای مدیریت غزه، تلاشی است برای تحمیل یک ساختار غیرمردمی، غیرمقاومتی و وابسته به غرب بر مردم فلسطین؛ ساختاری که نه تنها بحران را حل نمی‌کند بلکه با حذف اراده ملت فلسطین، زمینه‌ساز بحران‌های جدید خواهد بود. جمهوری اسلامی ایران همواره بر حق ملت فلسطین برای تعیین سرنوشت خود، پایان اشغالگری، رفع محاصره غزه و حمایت از مقاومت تأکید داشته و با هرگونه طرح تحمیلی و غیرمردمی مخالف است.

ترجمه

گرم شدن روابط ایران و عربستان

گام‌های محتاطانه برای ثبات منطقه‌ای

پایگاه نیوغرب در مقاله‌ای نوشت: ایران و عربستان سعودی پس از حملات اخیر اسرائیل به قطر و تشری‌های منطقه‌ای، گام‌های محسوسی برای نزدیکی دیپلماتیک برداشته‌اند. این روند بیشتر در چارچوب استراتژی عربستان برای حفظ بی‌طرفی و کاهش تنش‌ها صورت می‌گیرد و نشانه‌ای از ایجاد اتحاد کامل میان دو کشور نیست.

ملاقات‌های سطح بالا از جمله دیدار محمد بن سلمان ولیعهد سعودی با علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران و گفت‌وگوهای پیشین با وزیر امور خارجه ایران نشان‌دهنده عزم جدی دو طرف برای حفظ کانال‌های ارتباطی و بحث درباره ثبات منطقه است. عربستان همچنین در ژوئن ۲۰۲۵ حملات اسرائیل به ایران را محکوم و درخواست آمریکا برای انتقال سامانه‌های دفاع موشکی به اسرائیل را رد کرد، اقدامی که همبستگی دیپلماتیک با ایران و تمایل به اجتناب از درگیری سه‌جانبه را نشان می‌دهد.

هر دو کشور بر حاکمیت منطقه‌ای، احترام متقابل و امنیت جمعی تأکید کرده و همکاری خود را به جای مداخله خارجی معرفی می‌کنند. برای عربستان، کاهش تنش اهمیت حیاتی دارد؛ چراکه موفقیت برنامه اقتصادی بلندپروازانه «چشم‌انداز ۲۰۳۰» به محیطی باثبات برای جذب سرمایه‌گذاری و گردشگری نیاز دارد. همچنین پایان دادن به جنگ یمن که در سال ۲۰۲۳ با میانجیگری چین و توافق ایران برای توقف حمایت نظامی از حوثی‌ها پیشرفت کرد، اولویت امنیتی عربستان است. با وجود اظهار دوستی، بی‌اعتمادی بنیادین میان ایران و عربستان همچنان پابرجاست. روابط هنوز شکننده است و گرم‌تر شدن ارتباطات بیشتر عملی گرایانه و مبتنی بر مدیریت رقابت است تا برقراری اتحاد واقعی. در مجموع، تحولات اخیر نشان می‌دهد که ایران و عربستان سعودی از طریق دیپلماسی مستقیم و همکاری‌های محدود برای ثبات منطقه به یکدیگر نزدیک شده‌اند. این نزدیکی، استراتژی‌ای عمل‌گرایانه از سوی عربستان برای کاهش تنش‌ها و محافظت از آینده اقتصادی و امنیتی خود است نه نشانه‌ای از اتحاد کامل و پایدار میان دو کشور.



مجاز سازمان ملل، نشان‌دهنده تلاش برای مشروعیت‌بخشی به یک ساختار تحمیلی و غیرمردمی است. حضور احتمالی بلر در رأس این ساختار با توجه به سابقه او در تعامل با رهبران غربی و عربی و نزدیکی‌اش به رژیم صهیونیستی، نگرانی‌های جدی را در میان ملت فلسطین و جریان‌های مقاومت برانگیخته است. این طرح همزمان دو هدف را دنبال می‌کند: از یک‌سو حذف حماس از صحنه سیاسی و نظامی، همان‌طور که اسرائیل خواهد آن است و از سوی دیگر، بازگرداندن غزه به کنترل تشکیلات خودگردان بدون توجه به خواست واقعی مردم و بدون تضمین حقوق بنیادین آنان. بلر در ماه‌های اخیر با رهبران عرب، مقامات آمریکایی و جرد کوشنر دیدار کرده و از حمایت امارات برخوردار بوده است. رایزنی‌های او با

شرایط شوند و تحریم‌های سازمان ملل را بپذیرند، ایران وارد دوره‌ای دشوار و پرچالش خواهد شد.

حالت میانه: برخی کشورها ارتباط خود با ایران را حفظ کنند، ایران نیز ضمن پایبندی به برجام و NPT تعامل محدودی با آژانس داشته باشد. در این حالت وضعیتی بین «نه جنگ و نه صلح» شکل می‌گیرد که احتمالاً بیش از دو حالت دیگر واقع‌بینانه است و می‌تواند در نهایت به گفت‌وگو و کاهش بخشی از تحریم‌ها منجر شود.

اهمیت واکنش ایران

در همین حال امیرعلی ابوالفتح، کارشناس مسائل آمریکا در گفت‌وگوی اظهار کرد: «جلسه شورای امنیت برای رأی‌گیری درباره پیش‌نویس چین و روسیه، آخرین تلاش‌ها برای جلوگیری از بازگشت تحریم‌ها بود که با شکست مواجه شد. تحریم‌ها از سر گرفته خواهند شد. البته روسیه و چین از این روند ناراضی‌اند و احتمالاً همراهی کامل با آن نخواهند داشت».

او ادامه داد: «آینده بستگی زیادی به واکنش ایران دارد. تا این لحظه رهبر انقلاب، رئیس‌جمهور و وزیر خارجه تهدیدی به اقدام رادیکال نکرده‌اند. مقامات کشور بارها تأکید کرده‌اند که ایران نه به سمت ساخت سلاح هسته‌ای خواهد رفت و نه از معاهده NPT خارج خواهد شد. تنها موضوع مورد بحث، تعلیق یا کاهش همکاری‌ها با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است. باید دید این تعلیق محدود و موقتی خواهد بود یا به قطع کامل ارتباط منجر می‌شود». ابوالفتح با تأکید بر اینکه احتمال تقابل شدید ایران و آمریکا اندک است، گفت: «هرچند اقدام نظامی را نمی‌توان به‌طور کامل منتفی دانست اما اگر رخ دهد، متناسب با واکنش ایران خواهد بود. در عین حال مسیر دیپلماسی همچنان باز است.

حتی در شرایط جنگی نیز دیپلماسی می‌تواند، نقشی مؤثر ایفا کند. این مسیر هرچند پر از فراز و نشیب است اما اصل آن کنار گذاشته نخواهد شد». این رویدادها و مواضع نشان می‌دهد که پرونده هسته‌ای ایران بار دیگر وارد مرحله‌ای حساس شده است. بازگشت تحریم‌های سازمان ملل، اختلافات میان اعضای شورای امنیت و سناریوهای مختلف پیش‌روی ایران همگی تصویری پیچیده از آینده روابط تهران با غرب، روسیه، چین و نهادهای بین‌المللی ترسیم می‌کند. اکنون همه نگاهی به تصمیمات ایران و واکنش‌های جامعه جهانی دوخته شده است؛ تصمیماتی که می‌تواند مسیر آینده پرونده هسته‌ای و جایگاه ایران در عرصه بین‌الملل را مشخص کند.



تحریم کامل تسلیحاتی، محدودیت بر بانک مرکزی و کشتیرانی همچنین بازرسی محموله‌ها.

قطعنامه ۲۲۳۴ (۲۰۱۵): تمدید مأموریت گروه کارشناسان نظارت بر تحریم‌ها.

سه سناریو درباره مکانیسم ماشه

سیدجلال ساداتیان، دیپلمات سابق کشورمان در این باره می‌گوید: «ایران اکنون در شرایطی خطیر و مبهم قرار گرفته است. اراده‌های گوناگونی در فعال‌سازی مکانیسم ماشه دخیل هستند. وزیر خارجه اعلام کرده که ایران چنین چیزی را نمی‌پذیرد. نماینده روسیه در شورای امنیت نیز تأکید داشت که غرب مقصر اصلی وضعیت کنونی است».

او سه سناریو را مطرح می‌کند:

ایستادگی چین و روسیه: اگر این کشورها و سازمان‌هایی مانند بریکس و شانگهای مقاومت کنند، ایران همچنان کارت‌هایی برای مذاکره خواهد داشت و ممکن است، روند موجود با فراز و نشیب ادامه پیدا کند بدون آنکه تغییر بزرگی رخ دهد. البته این وضعیت برای ایران مطلوب نیست چراکه امید داشت، تحریم‌ها لغو شوند. عدم مقاومت چین و روسیه: اگر این دو کشور و هم‌پیمانانشان تسلیم

تاریخ یک‌پارچه ایران

رونمایی از کتاب تازه **فتح‌الله مجتبابی** در جلسه شورای عالی علمی مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی



گمان می‌کردم مرد جاف‌فاده و مستی هستی، درصورتی که آن زمان تنها ۳۰ سال داشتم.»

سپس احمد مسجدجامعی بر لزوم گردآوری مجموعه مقالات بزرگان مرکز به‌ویژه محمدحسن سمسار و علی بلوکباشی تأکید کرد و بعد موسوی‌بجنوردی ناظر به رسالت کنونی مرکز نسبت به ایران یادآور شد: «دانشنامه ایران باستان با مدیریت روزبه زرین‌کوب در دست تألیف است و تاکنون ۸۰۰ مقاله برای آن نوشته شده و به‌زودی فرایند انتشار آن آغاز خواهد شد.»

نگاه نادرست به ناسیونالیسم

در بخش دیگری از این جلسه علی بهرامیان، معاون علمی مرکز، نکته‌ای را با حضار در میان گذاشت و گفت: «این‌طور به نظر می‌رسد که اکنون احساس مردم عادی نسبت به ایران صحیح‌تر است تا شماری از روشن‌فکران. از سوی دیگر برخی از دانش‌آموختگان رشته‌های مرتبط با ایران، نگاه نادرستی به ایران دارند و اندیشه‌های کسانی چون محمدعلی فروغی و سیدحسن تقی‌زاده و محمد قزوینی را به آسانی ذیل «ناسیونالیسم» جای می‌دهند و گویی می‌خواهند، مقوله «ایران» را نظریه جدیدی آن هم وابسته به سیاست بدانند. اخیراً هم یکی آشکارا گفت که کسی تا صد سال پیش «مطلقاً» جز نقال‌های قهوه‌خانه‌ها، فردوسی را نمی‌شناخت! گویا از این‌ها کسی از سستی و بی‌مایگی نظرات خود بیمی به دل راه نمی‌دهد، تقریباً هر مقوله‌ای را ذیل سیاست‌های روزمره جای می‌دهند و بنا بر مواضع سیاسی خود درباره آن داوری و اظهار نظر می‌کنند. بحث بر سر نقادی گذشته‌ها نیست چون روشن است که نقادی به معنای دقیق کلمه به معنای آن اطلاع و آگاهی و تحقیق نیاز دارد و باید از آن استقبال کرد و عاقلانه این است که شخص نقاد، درجاتی از احتمال را در نظر بگیرد اما آن‌چه این روزها دیده می‌شود این است که اشخاصی به راحتی حکم صادر می‌کنند. گمان نمی‌کنم در هیچ جای دنیا کسی این چنین به تاریخ و فرهنگ کشور خود لگد بزند.»

محمد جعفری قنوتی، مدیر بخش فولکلور مرکز نیز گفت: «باید به دو نکته مهم توجه کرد: نخست، اقدامات ضداخلاقی و آگاهانه قوم‌گرایان که هر کس از ایران و میراث باستانی آن دفاع کرد، او را به سلطنت‌طلبی و هواداری از حکومت پهلوی متهم می‌کنند به‌گونه‌ای که «ملی‌بودن» دشنام و حتی جرم به‌شمار آید. باید این شیوه را افشا کرد. نکته دوم این است که متأسفانه به سبب‌های کاملاً روشن، امروز دفاع علمی از آن بخش از هویت ملی که ریشه در دوره اسلامی دارد بسیار مشکل شده است به‌ویژه برای مخاطبان جوان. به عبارت دیگر امروز مصراع «شیر خدا و رستم دستانم آرزوست» برای جوانان غریب می‌نماید.»



صدای سردار

رونمایی از کتاب **قاسم به روایت مرتضی سرهنگی**

ستون ادبیات پایداری

فرهاد قائمیان، بازیگر سینما و تلویزیون، در این مراسم با اشاره به سال‌ها شاگردی در کنار مرتضی سرهنگی گفت: «شاید لیاقت شاگردی نداشته باشم اما سال‌هاست که در محضر آقا مرتضی یاد گرفته‌ام. آقای ملاقلی‌پور برای بسیاری از فیلم‌نامه‌هایش با سرهنگی مشورت می‌کرد و حضور او در کنار این کارگردان بزرگوار نشان‌دهنده نقش پررنگش در شکل‌گیری آثار دفاع مقدسی است. در همین مسیر، من هم افتخار داشتم در کنار ایشان تجربه بیاموزم. آقا مرتضی سرهنگی برای همه ما لیدر و پیشوا بوده و خواهد بود. او سالیان سال برای ادبیات پایداری زحمت کشیده و آثار ارزشمندی در حوزه دفاع مقدس خلق و هدایت کرده است. چرا نباید از آقا مرتضی در سطح وسیع تجلیل کنیم؟ کسی که عمر خود را صرف ادبیات پایداری کرده است، سزاوار تکریم و توجه بسیار بیشتری است.»

روایت‌های شخصی و متفاوت از جنگ

محمدرضا بایرامی، نویسنده برجسته ادبیات دفاع مقدس در این محفل با بیان خاطراتی از سال‌های آغاز فعالیت خود گفت: «من کارم را در حوزه هنری شروع کردم اما عملاً همواره در کنار آقا مرتضی سرهنگی بودم. برای ما دیدار با او هیچ‌گاه تکراری نمی‌شد. همیشه روی باز داشت و به حرف‌ها و نوشته‌های‌مان توجه نشان می‌داد. در فضای آن زمان، بسیاری تردید داشتند که آیا می‌توان روایت‌های شخصی از جنگ، به‌ویژه روایت‌هایی که از عقب‌نشینی و ترس می‌گفت، منتشر کرد یا نه. دست‌نوشته‌های من با نگرانی حفظ می‌شد اما سرهنگی با روی گشاده آن را چاپ کرد. یادم هست یکی از کتاب‌هایم درباره محاصره و سختی‌های هفت روز آخر جنگ بود. برخی حتی تصور می‌کردند چنین روایتی نباید منتشر شود اما سرهنگی از آن حمایت کرد. بعدها همان کتاب واکنش‌های زیادی برانگیخت و حتی کسانی که ابتدا مخالف بودند به‌صراحت اذعان کردند، روایت درست و تأثیرگذاری است.» بایرامی در بخش دیگری از سخنانش به نسبت کتاب «قاسم به روایت مرتضی سرهنگی» با انبوه آثار منتشر شده درباره شهید سلیمانی اشاره کرد و گفت: «وقتی شهید سلیمانی به شهادت

عصر پنج‌شنبه، سوم مهر، محفل فرهنگی «دیدار با آقامرتضی» در پاتوق فرهنگی «حرفی‌نون برگزار شد. این نشست به مناسبت انتشار کتاب «قاسم به روایت مرتضی سرهنگی» شکل گرفت؛ اثری که نویسنده نزدیک به ۶ سال برای تحقیق، پژوهش و نگارش آن وقت صرف کرده است. در این مراسم چهره‌هایی چون کاظم چلیپا، هدایت‌الله بهبودی، احمد مرادیپور، فرهاد قائمیان، اکبر نبوی، محمدرضا بایرامی، رضا میرکریمی، سیدعلی میرفتاح و رضا امیرخانی حضور داشتند و هر یک به بیان دیدگاه‌ها و خاطرات خود از مرتضی سرهنگی و کتاب تازه او پرداختند. در ابتدای این محفل احمد مرادیپور، فیلم‌ساز و مستندساز درباره کتاب «قاسم به روایت مرتضی سرهنگی» گفت: «آقا مرتضی سراغ ساده‌ترین راه رفته و به دنبال اسطوره‌سازی یک‌سویه نبوده؛ بلکه تصویری چندبعدی از شهید سلیمانی ارائه داده است. این کتاب نه یک متن تبلیغاتی بلکه یک سند پژوهشی قابل اتکا است.» مرادیپور با تأکید بر اهمیت نگاه سرهنگی به نگارش تاریخ گفت: «تلاش آقا مرتضی نشان داد، روایت وفادارانه تاریخ الزاماً به معنای کار خشک و مقرراتی نیست؛ بلکه می‌تواند با حساسیت شاعرانه و دقت هنرمندانه همراه شود. به نظر من، این کتاب گامی بزرگ در جهت شفاف‌تر و عینی‌تر کردن حافظه جمعی ما از یک قهرمان معاصر است.»

نماد اخلاص و بی‌منتی رزمندگان

کاظم چلیپا، نقاش و هنرمند انقلابی نیز در این مراسم با اشاره به دشواری سخن گفتن درباره شهید حاج قاسم سلیمانی، گفت: «همان‌طور که برای فهم ادبیات کلاسیک ایران باید ریشه‌های آن را شناخت برای شناخت سلیمانی هم باید به ریشه‌های معنوی و عرفانی او توجه کرد. آن‌چه در وجود او برجسته بود، اخلاص و بندگی خالصانه برای خدا بود. آقا مرتضی و دوستانش، کار دشواری داشتند. بسیاری از رزمندگان اهل سخن گفتن از خود نبودند و منتی نداشتند. این که چگونه می‌توان زبان آنان را برای بیان تجربه‌های‌شان گشود یکی از چالش‌های اصلی بود. سلیمانی نماد همین بی‌منتی و اخلاص بود؛ شخصیتی که در مسیر خود همچون یاران امام حسین (ع) همه چیز را فدای خدا کرد.»

فیلم مستند

قصه پیاوپی که جالباسی شد

مستند **فراموشخانه** داستان پیاوی قدیمی دانشکده هنرهای زیبا را بازگو می‌کند

درباره هر دوره حرف بزنیم».

سرحدی درباره انگیزه خود برای ساخت این مستند توضیح می‌دهد: «اواایل دهه ۱۳۹۰ و اواخر دهه ۱۳۸۰ دانشجوی دانشگاه هنرهای زیبا بودم و در رشته تئاتر تحصیل می‌کردم و در طول ۵ یا ۶ سالی که به دانشگاه رفتم و آمد داشتم با پیاوپی که در فیلم می‌بینیم،

«فراموشخانه» فیلمی مستند داستانی از روایت‌های فراموش شده یک پیاوی کهنه و قدیمی در دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران پیش از انقلاب و ماجراهای حول آن سیری در تاریخ، موسیقی و ایران است. علی مصفا، بازیگر شاخص سینما این مستند را تهیه و سهند سرحدی و فرهاد قدسی آن را کارگردانی کرده‌اند.

در فیلم فراموشخانه می‌بینیم که مسعود تهرانی، دانشجوی رشته نمایش دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، توجهش به پیاوپی قدیمی جلب می‌شود که در گوشه یکی از پلاتوهای دانشکده به حال خود رها شده و دانشجویان نمایش از آن برای استراحت و دراز کشیدن یا به عنوان جالباسی و زیرپایی استفاده می‌کنند. او تصمیم می‌گیرد درباره داستان و تاریخچه این پیاو تحقیق کند و فیلمی هم درباره آن بسازد.

مستندساز برای رسمیت بخشیدن به قرائت خود از روایت افرادی مانند صالح نجفی، عباس کاظمی، نغمه ثمینی، کارمند بنیاد رودکی و... استفاده کرده و مشخصاً در گفت‌وگو با عباس کاظمی، حرف کلی که قرار است در لفافه و میان‌ته‌های یکی در میان پیاوپی قدیمی به مخاطب برساند را به شکل واضحی مطرح می‌کند.

کارشناسانی مثل صالح نجفی و عباس کاظمی، جلوی دوربین مبانی نظری مرتبط با موضوع فیلم را بیان می‌کنند. آنها به نظر به «زیاله جمع‌کن» والتر بنیامین اشاره می‌کنند که بیان می‌کند، گاهی برای درک تاریخ باید نه در آنچه در دسترس است و دیده می‌شود بلکه در زیاله‌ها به دنبال داستان‌ها گشت. عباس کاظمی، جامعه‌شناس و استاد سابق دانشگاه تهران در فیلم به استاد آرای والتر بنیامین می‌گوید: «فراموش شدن یا دفن شیء – مثل پیاوهای که «فراموشخانه» به آنها می‌پردازد– بار سیاسی و ایدئولوژیک دارد. شیء قدرت بازآفرینی دارد؛ صدای فروخته را زنده می‌کند و فرهنگ و سیاست را نقد می‌کند. شیء بهانه‌ای است که بتوانیم



یک بازیگر تازه کار در نقش جیمز باند

بازیگر بریتانیایی مامور جدید ۰۰۷ می شود



زیادی می‌شد اما آمازون متعهد بود که روح باند را زنده نگه دارد و این بدان معناست که او باید بریتانیایی یا از کشورهای مشترک المنافع باشد و باید مرد بماند.

گفته شده باربارا بروکلی که مالک قبلی این برند بود پیش از اینکه با فروش امتیاز مالکیت این شخصیت به قیمت یک میلیارد دلار به آمازون موافقت کند، اصرار داشت که مامور ۰۰۷ مرد و بریتانیایی باقی بماند. پس از اینکه آمازون تمامی حقوق تولید جیمز باند را در دست گرفت، «باریسرا بروکلی» و «مایکل جی. ویلسون» تهیه‌کنندگان قدیمی این اثر از سر راه آمازون برای ایجاد تغییر در چندگانه «جیمز باند» کنار رفتند. پس از جدایی تهیه‌کنندگان قدیمی از این چندگانه، چند تهیه‌کننده آمازون معتقد بودند، قسمت بیست‌وششم «جیمز باند» فقط باید با کارگردان «تت» و «اوپنهاایمر» یعنی کریستوفر نولان ساخته شود.

جف بزوس، مالک آمازون هم که از طرفداران بزرگ مامور ۰۰۷ است، می‌خواهد این اطمینان را بدهد که کسی با برخی از جنبه‌های بی‌برو برگرد این شخصیت کاری نداشته باشد و دلیل انتشار این خبر، خود او بوده است. به نظر می‌رسد، خیال دو بازیگر آخری که نقش این جاسوس را بازی کرده‌اند، یعنی دنیل کریگ و پیرس برازنان که هر دو تاکید کرده بودند باند باید یک مرد بماند، راحت شده است.

پیرس برازنان پیش از انتشار این خبر گفته بود، مطمئن است که مامور ۰۰۷ بعدی آمریکایی نخواهد بود و ابراز امیدواری کرده بود که آمازون با وقار این کار و شخصیت را اداره کند. وی در صحبت با تلگراف تاکید کرده بود، مسلم است که یک بازیگر بریتانیایی باید لباس جیمز باند بعدی را به تن کند. تاکنون هرگز یک بازیگر آمریکایی این نقش را بازی نکرده و برازنان ایرلندی و جورج لازینی استرالیایی تنها بازیگران غیربریتانیایی اما از کشورهای مشترک المنافع بوده‌اند. برازنان از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۲ نقش باند را بازی کرد و با ۴ فیلم «چشم طلایی»، «فردا هرگز نمی‌میرد»، «دنیا کافی نیست» و «ایک روز دیگر بمیر» در نقش جاسوس مشهور روی پرده رفت. او سپس جای خود را به دنیل کریگ سپرد که در نقش این شخصیت معامی در ۵ فیلم از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۱ بازی کرد.

برازنان چندی پیش درباره اینکه کدام بازیگر باید پس از کنار رفتن دنیل کریگ از نقش جیمز باند، نقش باند جدید را بازی کند، گفت: کیلین مورفی در نقش جیمز باند در سرویس مخفی اعلی حضرت کار فوق العاده‌ای انجام خواهد داد. اما خود مورفی در مراسم اهدای جوایز اسکار وایلد به وراثتی گفت: برای این کار کمی پیر شده‌ام و افزود: فکر می‌کنم آن کشتی حرکت کرده است.

بیست‌وششمین فیلم «جیمز باند» که قرار است توسط دنی ویلنو ساخته شود با حضور یک بازیگر بریتانیایی تازه‌کار در نقش اصلی شکل می‌گیرد.

دنی ویلنو برای ساخت فیلم جدید «جیمز باند» یک بازیگر بریتانیایی ناشناس را در نقش اصلی یعنی مامور ۰۰۷ به کار خواهد گرفت.

طبق گزارش‌های جدید دنی ویلنو، کار یافتن بازیگر نقش جیمز باند بعدی را سال آینده و پس از پایان تولید «تلماسه: قسمت سوم» شروع خواهد کرد و زمان فیلمبرداری سال ۲۰۲۷ خواهد بود.

به گفته منابع، این کارگردان و همکارانش در جست‌وجوی یک چهره تازه و ناشناخته هستند تا در لباس رسمی ۰۰۷ در بیست‌وششمین فیلم جیمز باند، جلوی دوربین برود. به این ترتیب معیارهای تعیین شده توسط ویلنو، نام‌هایی که تاکنون به صورت آنلاین و توسط لابی‌گران مطرح شده بود را پاک می‌کند. استودیوی آمازون ام‌جی‌ام پس از انتخاب «دنسی ویلنو» به عنوان کارگردان قسمت بیست‌وششم «جیمز باند» به دنبال یک «بازیگر بریتانیایی زیر ۳۰ سال» برای نقش «جیمز باند» بود و در آن زمان، گزینه‌هایی چون «تام هالند»، «هریس دیکینسون» و «جیکوب لوردی» را بررسی می‌کند. با این حال یک چیز قطعی شده: باند همان‌طور که از ابتدا توسط خالق آن، ایان فلمینگ خلق شده، مرد باقی خواهد ماند و این نقش به یک بازیگر بریتانیایی خواهد رسید.

تقریباً هر نامی که به صورت آنلاین تاکنون مطرح شده؛ از جمله تام هالند و هریس دیکینسون نیز در این رقابت حضور نخواهند داشت. چیزی که فیلمسازان می‌خواهند، فردی نسبتاً «ناشناخته»، احتمالاً در اوایل ۳۰ سالگی و بازیگر جوان‌تری است که با توصیف فلمینگ از باند به عنوان یک ابزار بی‌صدای کشنده ظاهر شود.

در حالی که استیون نایت، فیلمنامه‌نویس «باند ۲۶» برای آمازون ام‌جی‌ام است: «پیکي بلاینדרز» و «وعده‌های شرقی» او نشان می‌دهد که با توجه به سابقه داستان‌سرایی خشن و بی‌رحمانه نایت، باند جدید خواهد توانست با دست خالی و در یک چشم به هم زدن آدم بکشد! و این بازگشت آشکار به نسخه بی‌رحمانه‌تر فلمینگ از این شخصیت است. گفته شده، نایت به شدت از رمان‌های اولیه فلمینگ الهام گرفته که شاید به معنای بازگشت به پیشینه باند در نیروی دریایی سلطنتی و همکاری وی با M۱۶ باشد.

با توجه به زمان‌بندی کار ویلنو انتظار می‌رود، تولید جیمز باند بیست‌وششم، سال ۲۰۲۷ آغاز و سال ۲۰۲۸ راهی سینماها شود. پیش از اعلام این خبر درباره آینده باند، شک‌های زیادی وجود داشت و اظهارنظرهای



شد و تا همیشه در ذهن مانده است.» امیرخانی تاکید کرد: «حضور و آثار آقا مرتضی با آن دقت، همت و خلاقیت همواره برای نسل‌های آینده، منبع الهام و یادآور ارزش‌های انسانی و فرهنگی خواهد بود.» در ادامه مراسم اکبر نبوی، روزنامه‌نگار و منتقد گفت: «از نزدیک به ۴۰ سال هم‌نشینی و هم‌کلامی با آقای سرهنگی برکت زیادی بردم. مرتضی سرهنگی این شناس را داشت که هم شاگرد پرورش دهد و هم آثارش را ثبت کند. توجه و نگاه تاریخی مرتضی سرهنگی، ارزش و هویت ملی ما را حفظ کرده است. مرتضی سرهنگی اهل درد و دل کردن نیست و اغلب در خود فرو می‌رود اما گاهی در دفتر ادبیات فوران کرده و دیدگاه‌های مهمش را به اشتراک می‌گذارد. یکی از ویژگی‌های برجسته او، جملات قصار و شگفت‌انگیز اوست. نمونه‌ای از این جملات مربوط به سال ۸۱ یا ۸۲ است؛ در آن زمان با رسول ملاقلی‌پور و ایشان در مسیری صحبت کردیم. در طول مسیر مرتضی گفت: کسی که چکش جنگ بر جانش خورده باشد به راحتی کج نمی‌شود.» نبوی خاطرنشان کرد: «کتاب «قاسم به روایت مرتضی سرهنگی» نمونه بارز نگاه واقع‌گرایانه و پژوهشی اوست. منابع و اسناد واقعی در کتاب باعث شده تا قهرمان در بطن روایت زنده و ملموس باشد و خواننده تجربه عمیقی از شخصیت شهید حاج قاسم سلیمانی پیدا کند.»

صدای حاج قاسم

در پایان مراسم مرتضی سرهنگی، نویسنده کتاب قاسم و کانون اصلی این گردهمایی گفت: «لازم است بگویم که چقدر آقای آقامیرزایی و خانم محبوبه عزیزی کمک کردند. اگر این دو نفر نبودند و اگر انتشارات خط مقدم ۵ سال حوصله نمی‌کرد، این کتاب در این شکل منتشر نمی‌شد. ما تا سوغا آمدم سر کار، عاشورا بعد از ظهر به این دو عزیز گفتم، صبح عزاداری‌مان را می‌کنیم و بعد سر کار می‌آیم، عیدها و این‌ها هم سر جای خودش. متن کتاب را طوری نوشتم که صدای حاج قاسم شنیده شود. وقتی این امر صورت می‌گیرد، ارتباط بهتری با خواننده برقرار می‌شود و خواننده بدون اینکه با گروه نویسندگان طرف باشد با صدای خصوصی حاج قاسم ارتباط برقرار می‌کند.»

رسید، متأسفانه بسیاری با عجله و برای بهره‌برداری، کتاب‌هایی منتشر کردند که اغلب فاقد ارزش پژوهشی و ادبی بودند. در چنین فضایی کار مرتضی سرهنگی یک کار اصیل و دقیق است. او با وسواس و صداقت سراغ زندگی‌نامه سردار رفت و از نگاه سطحی و تجاری فاصله گرفت. معتقدم فقط پژوهش‌های جدی و روایت‌های عمیق مثل کار آقا مرتضی است که می‌تواند، حافظه جمعی ما را غنی کند. آقا مرتضی سرهنگی نشان داد که می‌توان در روایت تاریخی، صداقت و دقت را با حساسیت شاعرانه و نگاه انسانی پیوند زد. امیدوارم کتاب تازه او در شأن شخصیت حاج قاسم دیده و خوانده شود.»

التیام‌بخشی ادبیات

سیدعلی میرفتاح در این محفل با اشاره به گرمای جمع و تأکید بر نقش «میانداران» فرهنگی گفت: «این نشست یادآور ضرورت بازنگری در مسیر ادبیات دفاع مقدس است.» او با اشاره به سخنان محمدرضا بایرامی درباره کم‌کاری در معرفی شایستگان عرصه جهاد و شهادت یادآور شد: «ما در قبال برخی شهدا خوب عمل نکرده‌ایم و بعضی شهدا مظلوم واقع شده‌اند؛ این واقعیتی است که باید پذیرفت و برای اصلاح آن تلاش کرد.» میرفتاح با پرداختن به اهمیت قصه و روایت در تربیت قلب‌ها و شکل‌گیری اعتقادات افزود: «قصه‌ها، به‌ویژه قصه‌های عامه‌پسند کهن، تنها برای سرگرمی نیستند؛ آن‌ها روحیه می‌بخشند، آموزه می‌آموزند و جوان‌مردی را منتقل می‌کنند. همان‌طور که در متون کهن ما- از فردوسی تا امیراسلارن- قصه‌ها به تغییر درون آدمی می‌انجامند، امروز نیز ادبیات می‌تواند التیامی برای ناکامی‌ها و رنج‌های جمعی ما باشد.»

آخرین دیدار با حاج قاسم

رضا امیرخانی، نویسنده، در سخنان خود از خاطره آخرین دیدارش با شهید حاج قاسم سلیمانی سخن گفت: «من حاج‌قاسم را در روزی سرد، شاید اواخر پاییز یا اوایل زمستان، در کنار آقا مرتضی در مجلسی دیدم. همان‌جا بود که آخرین بار با ایشان رویه‌رو شدم؛ خستگی بر چهره شهید سلیمانی پیدا بود و فرصتی برای گفت‌وگو و طرح گله‌ای که داشتم، نبود. این دیدار به واسطه آقا مرتضی نصیب من

آقای عباس کاظمی هم کتابی با این رویکرد دارند و یکی از منابع پژوهشی من برای این فیلم بود».

سرحدی که از این ایده به عنوان بهانه‌ای برای روایت از مقطعی از یک دوره تاریخی استفاده کرده در این باره می‌گوید: «فیلم در لایه اول درباره یک پیانو به عنوان یک شی دورافتاده، قصه‌اش را روایت می‌کند اما وقتی جلوتر می‌رویم، فیلم درباره یک شی نیست و همان‌طور که کارشناسان صحبت می‌کنند اتفاقاتی که برای این شی رخ داده، حکایت از یک تاریخ دارد و تاریخ آن مکان و آن جغرافیا یک سری نشانه‌ها دارد و این اتفاقاتی است که در سرزمین ما رخ داده و ما همه اینها را به چشم دیده‌ایم و اگر شما به سراغ شی دیگری هم تحقیق کنید و به آن بپردازید لزوماً فیلم‌تان محدود به آن شی نخواهد بود و تحقیقات می‌تواند، ابعاد گسترده‌تری پیدا کند. از آنجا که پیانو یک آلت موسیقی است، بار دراماتیک و بار آرتیستیک بیشتری دارد و می‌شود تفسیرهای بیشتری هم نسبت به آن داشت و موسیقی پاپ، هنر و حتی جامعه و سیاست را در این تفاسیر دید». برخی از تماشاگران این مستند بر این باورند که فیلمساز از این پیانوی تاریخی به عنوان ابزاری برای نقد رفتارهایی که با هنرمندان و موسیقی شده، استفاده کرده و در تصاویری که نشان داده، نوعی اغراق را به نمایش می‌گذارد اما سرحدی تاکید می‌کند که هیچ اغراقی در نمایش دادن تصاویر نداشته و تمامی اتفاقاتی که رخ می‌دهد، مستند و بر اساس واقعیت است: «هیچ اغراقی در این موضوع صورت نگرفته و هر آنچه که مطرح می‌شود کاملاً واقعی و مستند است. آن پیانو هنوز هم در دانشکده است اما پس از ساخت فیلم با هزینه شخصی‌مان آن را در یک محفظه شیشه‌ای قرار دادیم اما واقعیت همان چیزی است که در مستند مطرح می‌شود و هر کس که احساس می‌کند اغراقی صورت گرفته، می‌تواند نزد مسئولان دانشگاه برود و واقعیت ماجرا را از آنها بشنود. آن پیانوی قدیمی در آن دانشگاه واقعاً وضعیت بدی داشت و در کنار اتاق تمرین دانشجویهای تاتار بود. من در رفتاری که با این پیانو شد، نمی‌خواستم کسی را مقصر بدانم در واقع اگر دانشجویها هم رفتار بدی دارند، مقصر نیستند، آنها باید آموزش ببینند و بدانند که این شی چیست، چه شأنی دارد و چه استفاده‌ای می‌توان از آن داشت. من از اینکه دانشجویها یا مردم مقصر شناخته شوند کاملاً پرهیز داشتم و به نظرم واقعاً هم اینگونه نیست». این مستند هم‌اکنون در سایت‌های رسمی در دسترس علاقمندان است.

مواجهه داشتم و رفتار دیگر دانشجویان با این پیانو را می‌دیدیم و از آنجایی که خود هم علاقه‌مند به موسیقی و نمایش بودم، ساخت «فراموشخانه» در ذهنم جرقه خورد و یک نگاه تا حدی دراماتیک و داستانی در ذهنم نسبت به این پیانو شکل گرفت. در پروسه تحقیق، پژوهش و تولید، ایده‌هایی نظری و فکری دیگری هم به ذهنم خطور کرد که سعی کردم آنها را با رویکردهای علوم انسانی و فلسفه بررسی کرده و دیدگاه‌های تازه‌ای پیدا کنم که از طریق آنها بتوان به خوانشی از اشیا و به طور خاص آن پیانو دست پیدا کرد. در فیلم درباره این رویکرد بیشتر صحبت شده و رویکرد پژوهشی ما تحت تأثیر نگاه والتر بنیامین یکی از متفکران مکتب فرانکفورت است که خودش، آن را تفکر قطعه‌وار یا فرگمنتال معرفی کرده که از جزء به کل حرکت می‌کند و این رویکرد تاریخ اشیا، تاریخ سیاسی و ایدئولوژیک تا حد زیادی از ایده‌های بنیامین منشعب شد که



شناسه آگهی ۲۰۰۸۴۴۶

«اصلاحیه آگهی مناقصه»

یکشنبه ۱۴۰۴/۷/۶ یک‌نوبته

در رابطه با آگهی مناقصه عمومی پروژه طراحی و احداث دو خط پردازش ۲۵۰ تنی به شرح:

مبلغ برآورد پایه: ۱/۰۸۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال

مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۵۴/۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

عنوان کامل: طراحی، مهندسی، تأمین تجهیزات واحداث (EPC) پروژه دو خط پردازش پسماند عادی به ظرفیت هر کدام ۲۵۰ تن در یک شیفت کاری در مجتمع پردازش و دفع پسماند شهرداری قزوین (پاکسار) واقع در کیلومتر ۲۵ محور قزوین - بوئین زهرا

برنامه زمانبندی و مهلت های قانونی به شرح ذیل اصلاح و اعلام می گردد:

- تاریخ انتشار فراخوان: یکشنبه ۱۴۰۴/۷/۶ ساعت ۱۳
- مهلت دریافت اسناد فراخوان: پنجشنبه ۱۴۰۴/۷/۱۰ ساعت ۱۷
- مهلت ارسال پیشنهاده: شنبه ۱۴۰۴/۷/۲۶ ساعت ۱۰
- زمان بازگشایی پاکات ارزیابی کیفی: شنبه ۱۴۰۴/۷/۲۶ ساعت ۱۱

سازمان مدیریت پسماند شهرداری قزوین
حامد فتوحی – سرپرست سازمان

ادامه یادداشت روز

از فرار مغزها تا فرار ژن‌ها

- وضعیت اقتصادی نامطمئن؛ تورم، کاهش ارزش پول ملی و حقوق معادل ارز آزاد که توان پاسخگویی به هزینه‌ها را ندارد
- محدودیت‌های آزادی علمی و اجتماعی؛ فشار بر اهل پژوهش و منتقدان
- نبود فرصت‌های مناسب برای رشد حرفه‌ای، تحقیق، تولید دانش و ارتباط بین‌المللی
- ناامیدی از آینده
- عدم توانایی در برآوردن نیازهای اولیه مانند ازدواج و مسکن
- فرار مغزها فقط آسیب اجتماعی ندارد بلکه پیامدهایی نیز برای بخش خصوصی و بازرگانان دارد؛ شما نمایندگان بخش تجارت کشور باید بدانید که این مسأله متوجه شما هم هست:
- وقتی نیروی متخصص کم شود، هزینه استخدام و نگهداشت نیروی باکیفیت بالا می‌رود.
- کیفیت محصول، خدمات و نوآوری کاهش می‌یابد؛ رقابت‌پذیری بین‌المللی آسیب می‌بیند.
- شرکت‌های دانش‌بنیان یا شرکت‌هایی که نیاز به تخصص‌های بالا دارند، ی‌ا باید نیروی خارجی بیابوند یا فعالیت‌شان محدود می‌شود یا مهاجرت می‌کنند به کشورهایی که نیروی انسانی‌شان مناسب‌تر است.

ضعف تخصص زمانی به استخوان می‌رسد که به زودی مجبور خواهیم شد برای یک ویزیت ساده قلب به کشورهای همسایه سفر کنیم! تا پزشک ایرانی متخصص در کشوری ترک یا عرب‌زبان ما را معاینه کند!

در ادامه به راهکارها و اقدامات پیشنهادی عاجل می‌پردازم؛ و برای اینکه بتوانیم این روند را تغییر دهیم چند راهکار فوری پیشنهاد می‌کنم:

۱ تقویت شایسته‌سالاری در گزینش مدیران، اساتید و پژوهشگران؛ شفافیت در فرایندها، هیات‌های ارزیابی مستقل، معیارهای علمی و حرفه‌ای قابل سنجش.

۲ ایجاد مشوق اقتصادی و حرفه‌ای برای نگهداشت نخبگان؛ حقوق معقول، امکانات تحقیقاتی، فرصت سفرهای علمی، همکاری بین‌المللی، تسهیلات برای بازگشت نخبگان مهاجر.

۳ اصلاح نظام آموزش عالی و پژوهش؛ تأکید بر کیفیت، نه کمیت؛ توانمندسازی دانشگاه‌ها برای جذب نیروهای توانمند؛ جلوگیری از سانسور و فشار امنیتی بر فعالیت‌های علمی.

۴ ایجاد «پل‌های ارتباطی» بین دانشگاه، صنعت و بخش خصوصی؛ پروژه‌های مشترک، مراکز تحقیق & توسعه خصوصی، حمایت بخش خصوصی از پژوهش‌ها.

۵ سیاست ملی برای مستندسازی آمار مهاجرت نخبگان؛ باید داده‌ها ثبت، تحلیل شود و بر آن اساس سیاست درست تنظیم گردد.

ما در موقعیتی کاملاً خطرناک و به شدت تاریخ‌ساز ایستاده‌ایم؛ خروج سالانه صدها هزار نفر متخصص، دانشجو، پژوهشگر؛ نسل آینده‌ای که امیدش را می‌یازد؛ اقتصادی که توان رقابت با دنیا را ندارد؛ و بخش خصوصی که قربانی سفید این روند است.

اگر بخواهیم کشور را نگه داریم، اگر بخواهیم اقتصاد رقابتی و اشتغال مناسب داشته باشیم، اگر بخواهیم از تشدید فقر علمی و فناوریانه جلوگیری کنیم، باید امروز تصمیم بگیریم؛ نه فقط شعار بلکه با عمل! نه وعده بلکه سیاست مشخص! نه فقط آمار خبری رسانه‌ها بلکه گزارش‌ها و برنامه‌های اجرایی وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها.

از شما نمایندگان بخش خصوصی، از اتاق بازرگانی تقاضا دارم که این موضوع را به عنوان یکی از اولویت‌های ملی مطرح کنید، از دولت و مجلس خواستار شوید، سیاست‌ها شفاف و مؤثر باشد و به عنوان تشکل‌های بخش خصوصی، خودتان سازوکارهایی را ایجاد کنید که نخبگان را جذب کنیم و نگه داریم.

اگر ژن خوب برود، دیگر برنمی‌گردد؛ امروز باید کاری کنیم که برگردد، بماند و بسازد. و درد بزرگ ما از فرار مغزها و فرار متفکرها فقط فرار سرمایه‌ها و فرار ژن‌ها نیست بلکه ماندن بی‌مغزها و مدیریت کردن کشور توسط همین بی‌مغزهاست!

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

سفیدشویی فساد و تضعیف رقابت سالم

نامه دو تشکل صنفی بیمه‌ای به رئیس‌جمهور درباره «ابرفساد دیجیتال» در صنعت بیمه

■ بی‌توجهی به مصوبه هیات وزیران درباره آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۸ قانون بیمه شخص ثالث.

به باور آنها، این تخلفات در حالی ادامه یافته که هم در قوانین داخلی و هم در استانداردهای جهانی چنین مدل درآمدی ممنوع است.

یکی از نکات برجسته نامه، انتقاد صریح از مواضع وزیر امور اقتصادی و دارایی است. نویسندگان با یادآوری سخنان وزیر در زمان رأی اعتماد– مبنی بر لزوم جلوگیری از رانت و عدالت‌محوری– نوشته‌اند: «اکنون ایشان برخلاف همان وعده‌ها، یک‌سویه و غیرکارشناسی از بزرگ‌ترین پرنوده پول‌شویی صنعت بیمه پس از انقلاب اسلامی تحت عنوان حمایت از نوآوری دفاع می‌کنند؛ در حالی که طی نزدیک به یک دهه فعالیت این پلتفرم‌ها، ضریب نفوذ بیمه در کشور حتی اندکی بهبود نیافته است».

در بخش دیگری از نامه، وابستگی شدید پلتفرم‌های دیجیتال بیمه به فروش بیمه شخص ثالث به شدت مورد انتقاد قرار گرفته است. به باور امضاکنندگان، این وضعیت نوعی «اقتصاد تک‌محصولی» مشابه اقتصاد نفتی ایجاد کرده که نه‌تنها نوآوری نمی‌آفریند بلکه صنعت بیمه را از مسیر تحول دیجیتال واقعی دور کرده است.

نویسندگان نامه یادآور شده‌اند که بی‌توجهی به هشدارهای کارشناسی در آینده، پیامدهای اجتماعی و امنیتی خواهد داشت: «ادامه ایسن روند نه‌تنها سلامت اقتصادی کشور را تهدید می‌کند بلکه می‌تواند با کنار زدن رویه‌های مدنی و صنفی، زمینه‌ساز اعتراضات و بهره‌برداری معاندین شود».

آنها وضعیت فعلی را با بحران‌های زیست‌محیطی مقایسه کرده‌اند: «همان‌طور که بی‌توجهی به هشدارهای فعالان محیط‌زیست ما را به بحران آب و خاک کشاند، بی‌اعتنایی به

محمدرضا جوادی‌یگانه نیز نوشت: «این حجم از شادی بر عدم موفقیت رقیب سیاسی در غلبه بر تحریم‌ها و بی‌توجهی مطلق به شدت نگرانی اقتصادی مردم در میانه یک فرسایش تمدنی را تنها می‌توان با از دست رفتن حسگرهای کلان‌شناسایی خطر تحلیل کرد. مقایسه کنید این تفاخرا را با احساس بی‌اندکی و کرخنی ناشی از استیصال در مردم».

اما ریشه خوشحالی نمایندگان جبهه پایداری از شکست برجام چیست؟ در اقتصاد سیاسی به همه افراد و گروه‌هایی که از یک سیاست یا یک رویه سود می‌برند، ذی‌نفع می‌گویند. این گروه‌ها یا این افراد همه جا حضور دارند و به راحتی اجازه نمی‌دهند، سیاستی جایگزین سیاست دیگری شود و منافع ناشی از آن به جیب افراد دیگری واریز شود. بنابراین با سیاستمداران، لابی می‌کنند و اگر به نتیجه نرسند از ابزارهایی که در اختیار دارند، استفاده می‌کنند مثلاً نظام حکمرانی را از عواقب تغییر سیاست می‌ترسانند، یا میان مردم رعب و وحشت ایجاد می‌کنند یا حتی گروه‌هایی را برای مخالفت با آن سیاست به اعتصاب و شورش تشویق می‌کنند و خلاصه همه کار می‌کنند تا سیاست‌های اصلاحی هرگز اجرا نشود. در هر اقتصادی منتفع‌شوندگان و متضررشدگانی وجود دارد. در اقتصاد سیاسی به این موضوع اشاره می‌شود که اگر وضعیتی در نظام اقتصادی استمرار یابد، منتفع‌شوندگان آن ثبات دارند و از آن بهره‌مند می‌شوند. به همان نسبت نیز متضرر‌شوندگانی هستند که دائماً از آن وضعیت متضرر می‌شوند. در آن شرایط معلوم است که منتفع‌شوندگان، قدرت بیشتری دارند. اقتصاد ایران چند دهه است که بد کار می‌کند و منتفع‌شوندگان آن کم‌اکان از آن شرایط بد، بهره‌مند می‌شوند و بسیار تمایل دارند آن را حفظ کنند. به همین دلیل نمی‌توان گفت که این اتفاق‌ها در کوتامدّت شکل گرفته است. چه بسا برای شکل‌گیری آن می‌توان دو دهه یا بیشتر در نظر گرفت.

اقتصاددانان می‌گویند، تحریم‌های همه‌جانبه علیه ایران به طور طبیعی بار سنگینی بر دوش جامعه می‌گذارد. کاهش ارزش پول ملی، تورم، بیکاری و گسترش فقر، نخستین پیامدهای مستقیم آن است. بنابراین واکنش عمومی جامعه در برابر چنین وضعیتی، نگرانی و اندوه است. با این حال بخش کوچکی از جریان‌های سیاسی داخلی، به‌ویژه در میان اصولگرایان تندرو، این شرایط را به مثابه فرصتی برای تثبیت مواضع خود تلقی می‌کنند و از آن خوشحال می‌شوند. از نظر اقتصاد سیاسی، علت اصلی این شادی سیاسی را باید در ساختار معیوب رقابت قدرت جست‌وجو کرد. در نگاه این گروه، شکست مذاکرات با فروپاشی توافق‌های بین‌المللی به معنای بی‌اعتبار شدن



هشدارهای فعالان بیمه نیز می‌تواند، اینص صنعت را به ورطه‌ای پرهزینه بکشاند».

در پایان نامه، طاهری و رستم‌وندی از رئیس‌جمهور خواسته‌اند شخصاً به موضوع ورود کند و با «اعمال نظارت عالیه» از تداوم این مسیر انحرافی جلوگیری نماید. آنها تأکید کرده‌اند که صیانت از سلامت رقابت، آرامش بازار و اعتماد عمومی، پیش‌شرط توسعه پایدار صنعت بیمه است.

جریان‌های رقیب است؛ رقیبانی که تلاش می‌کنند از طریق تعامل با جهان، بحران اقتصادی کشور را کاهش دهند. به همین دلیل آن‌ها تحریم را نه در قالب یک واقعیت اقتصادی و اجتماعی بلکه به‌عنوان ابزاری برای تثبیت گفتمان خود می‌بینند.

از سوی دیگر تحریم‌ها به‌طور ناخواسته، زمینه‌های شکل‌گیری اقتصاد رانتی و غیرشفاف را تقویت می‌کند. هرچه جامعه بیشتر در محاصره اقتصادی باشد، امکان دسترسی برخی گروه‌ها به رانت، واردات غیرقانونی و سودهای ناشی از اقتصاد تحریمی بیشتر می‌شود. این وضعیت سفره‌ای رنگین برای اقلیتی فراهم می‌کند که برخلاف مردم عادی در برابر فشارها مقاومت‌اند و حتی از آن سود می‌برند. همچنین عده‌ای از سیاستمداران از منظر ایدئولوژیک به تحریم نگاه می‌کنند. برای آنها تشدید فشار خارجی فرصتی برای تقویت گفتمان مقاومت، انسجام درونی و مشروعیت‌بخشی به سیاست‌های سخت‌گیرانه در عرصه داخلی است. در این چارچوب تحریم نه‌تنها تهدید ناقلی نمی‌شود بلکه نعمتی برای ادامه خط‌مشی مورد نظرشان به شمار می‌رود.

به هر حال کار از کار گذشت و اقتصاد ایران در تله اسنپ‌ک گرفتار شد و چنانکه شرح داده شد این گرفتاری به مذاق گروهی از سیاستمداران ایران خوش آمده است. خوشحالی این گروه از تحریم‌ها بیش از آنکه ریشه در سرنوشت مردم داشته باشد، ناشی از منافع سیاسی و اقتصادی خاص آنهاست. تضاد آشکار میان واکنش این سیاستمداران و احساس عمومی جامعه نشان می‌دهد که شکاف میان نخبگان و مردم تا چه حد عمیق شده است؛ شکافی که حسمت‌الله فلاحت‌پیشه و محمدرضا جوادی‌یگانه نیز در نقدهای خود به آن اشاره کرده‌اند. به همین دلیل می‌توان گفت، عده‌ای از سیاستمداران از تحریم مجدد ایران خوشحال شدند چون آن را فرصتی برای تضعیف رقیب سیاسی، تثبیت گفتمان خود، بهره‌برداری اقتصادی از فضای غیرشفاف و تقویت مشروعیت ایدئولوژیک‌شان می‌دانند حتی اگر این امر به بهای فرسایش بیشتر زندگی مردم تمام شود.

در نهایت، تحریم‌ها بیش از آنکه حربه‌ای سیاسی برای اثبات درستی یا نادرستی یک گفتمان باشند، واقعیتی تلخ برای میلیون‌ها ایرانی است که بار سنگین آن را بر دوش می‌کشند. تضاد میان شادی سیاسی برخی اصولگرایان و رنج اقتصادی مردم، شکافی عمیق را یادآوری می‌کند.

این دوزن

عاطفه جدگال مدال طلای موج‌سواری را از آن خود کرد و مرضیه جعفری به جمع داوران فوتبالی پیوست

گروه اجتماعی: بانوان ورزشکار ایرانی در سال‌های اخیر حضوری پررنگ در رقابت‌های داخلی و بین‌المللی داشته‌اند. تاکنون بیش از سه هزار مدال در رویدادهای جهانی توسط ورزشکاران زن ایرانی کسب شده است. این آمار چشمگیر نشان‌دهنده رشد قابل توجه ورزش بانوان است؛ به طوری که هم‌اکنون بیش از ۱۶ هزار باشگاه ورزشی ویژه بانوان در کشور فعال است. طی سال‌های اخیر تعداد رشته‌های ورزشی زنان از ۷ رشته در سال ۱۳۵۷ به ۳۸ رشته افزایش یافته و شمار مربیان زن از ۹ نفر به ۳۵ هزار نفر رسیده است. در همین مدت تعداد داوران زن از ۷ نفر به ۱۶ هزار نفر و تعداد ورزشگاه‌های مخصوص بانوان تقریباً ۳۰ برابر شده است. همچنین مدال‌های بین‌المللی کسب شده توسط ورزشکاران زن ایران از ۲ مدال در آغاز انقلاب به بیش از ۸۰۰ مدال افزایش یافته است. این ارقام، رشد فوق‌العاده حضور و موفقیت بانوان در عرصه ورزش کشور را به خوبی نشان می‌دهند.

مرضیه جعفری؛ پرافتخارترین مربی فوتبال زنان ایران

مرضیه جعفری، سرمربی نام‌آشنای فوتبال زنان ایران (متولد مهر ۱۳۶۱ در بم) یکی از پرافتخارترین چهره‌های این حوزه است. او سال‌ها هدایت تیم خاتون بم را بر عهده داشت و با این تیم ۱۱ بار قهرمان لیگ برتر فوتبال زنان ایران شد. این رکورد

جامعه

آب خوردن نداریم

استاندار اصفهان می‌گوید: در بهمن ماه اصفهانی‌ها حتی آب خوردن هم نخواهند داشت



فائزة مومنی

گروه اجتماعی

استاندار اصفهان هشدار داد که اگر وضعیت فعلی ادامه یابد «احتمالاً از بهمن به بعد آب برای خوردن نداریم». او تأکید کرد این بحران تنها اصفهان را تهدید نمی‌کند بلکه استان‌هایی چون یزد، دلیجان و فلات مرکزی را نیز در بر می‌گیرد. تحلیل آماری نشان می‌دهد، تمامی شاخص‌های آب در منطقه زاینده‌رود به شدت نزولی‌اند؛ میزان ذخیره سد و ورودی رودخانه در سال آبی جاری به شکل بی‌سابقه‌ای کاهش یافته و پیش‌بینی‌ها از پاییز خشک حکایت دارد. بررسی داده‌های هواشناسی و منابع آبی اصفهان در سال آبی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ نشان می‌دهد، تابستان امسال یکی از خشک‌ترین سال‌ها در تاریخ منطقه بوده است. گزارش‌های رسمی تأیید می‌کند که تا پایان شهریور ۱۴۰۴ تراز دریاچه سد زاینده‌رود حدود ۲۰۱۹.۴۶ متر ثبت شده، افتی بیش از ۷ متر نسبت به سال گذشته داشته و ذخیره سد فقط ۱۹۱ میلیون مترمکعب (۱۵ درصد ظرفیت) است که نسبت به میانگین بلندمدت ۷۰۴ میلیون مترمکعب پیش از ۷۰ درصد کاهش را نشان می‌دهد. ورودی آب سالانه این سد در سال آبی اخیر ۸۷۸ میلیون مترمکعب بود، در حالی که سال قبل ۱۰۳۰ میلیون و میانگین ۱۰ سال گذشته (۱۳۵۱ میلیون بوده است؛ یعنی ۱۳ درصد کمتر از سال قبل و ۳۵ درصد کمتر از متوسط بلندمدت).

بارش حوزه زاینده‌رود (ایستگاه چلگرد) ۹۷۰ میلی‌متر گزارش شد که ۱۶ درصد کمتر از سال گذشته و ۳۰ درصد کمتر از متوسط بلندمدت (۱۳۸۳ میلی‌متر) است. متوسط جریان ورودی رودخانه نیز به ۷ مترمکعب بر ثانیه (۲۶ درصد کمتر از پارسال و ۴۷ درصد کمتر از نرمال) رسید.

در یک نگاه آماری می‌توان گفت، ذخایر سد و ورودی‌ها تنها بخشی از مشکل است. در تابستان ۱۴۰۴ سازمان آب منطقه‌ای اصفهان اعلام کرد که نیاز اوج مصرف آب آشامیدنی استان حدود ۲۱/۸ مترمکعب بر ثانیه است اما نتوان تولید فعلی فقط ۱۸/۲ مترمکعب بر ثانیه است؛ یعنی حدود ۲/۹ مترمکعب بر ثانیه کمبود آب آشامیدنی وجود دارد. کارشناسان محیط‌زیست هشدار می‌دهند، این کاهش عمیق ذخایر آبی «زنگ خطر جدی» برای استان است و نیازمند «تغییر فوری» در نظام مدیریت مصرف و الگوی کشت است.

وضعیت رودخانه زاینده‌رود و فلات مرکزی

بخش اعظمی از آب شرب و کشاورزی اصفهان از سد زاینده‌رود و رودخانه زاینده‌رود تأمین می‌شود؛ اما این رودخانه از دهه ۱۳۸۰ به‌طور مداوم خشک شده است. طی سال‌ها بستر زاینده‌رود پوشیده از علف‌های خودرو و شن‌های خشک شده است. این رودخانه که روزگاری جریان دائمی داشت اکنون در اغلب سال حتی ۸۰ تا ۹۰ درصد روزها خشک می‌ماند. نتیجه فقدان آب، تخلیه حقایبه کشاورزان و مرگ تدریجی تالاب گاوخونی است. آمار در حال حاضر این واقعیت را بازگو می‌کند که تقریباً همه رودخانه‌هایی که اصفهان را سیراب می‌کردند، در آستانه خالی شدن هستند.

مضاف بر این بحران آب تنها متعلق به اصفهان نیست؛ استان‌های فلات مرکزی نیز شدیداً در خطرند. برای مثال استان یزد که از اقلیم خشک برخوردار است، کسری بیلان آب زیرزمینی سالانه‌ای در حد صدها میلیون مترمکعب دارد و طی سال‌های اخیر ۶۰ درصد کاهش بارش را تجربه کرده است. مسئولان یزدی صرفه‌جویی ۲۰ درصدی را ضروری دانسته‌اند. اگرچه رسانه‌ها گاه بحران آب تهران را برجسته می‌کنند، استاندار اصفهان به صراحت هشدار داده که «آب یزد، دلیجان و فلات مرکزی در خطر است». به بیان دیگر، تمرکز صرف بر مرکز کشور (مثلاً تهران) نمی‌تواند، واقعیات خشکسالی‌گسترده را پنهان کند؛ فلات مرکزی با کمبود آب آشامیدنی و کشاورزی مواجه است و تأمین حیاتی استان‌های مرکزی باید در اولویت تصمیم‌گیری‌های کلان قرار گیرد.

پروژه‌های انتقال آب و پیامدها

خطوط انتقال بین حوضه‌ای بزرگ عامل دیگری است که وضع بحرانی‌شده را تشدید می‌کند. مثلاً خط لوله انتقال آب زاینده‌رود به یزد (حدود ۳۳۰ کیلومتر) برای تأمین آبی معادل حدود ۹۸ میلیون مترمکعب در سال ساخته شده است که بیش از ۹۰ درصد آن برای شرب مصرف می‌شود. این طرح اگرچه مشکل آب یزد را در کوتاه‌مدت کاهش داده اما به بهای فشار مضاعف بر حوضه آبریز زاینده‌رود تمام شده است. کشاورزان شرق اصفهان بارها در اعتراض به این پروژه تجمع کرده و بیش از ۲۰ بار لوله‌کشی آن را تخریب کرده‌اند.

طرح بهشت‌آباد یکی دیگر از پروژه‌های بزرگ انتقال آب است که قرار بود بیش از ۱/۸ میلیارد مترمکعب آب در سال را از استان چهارمحال و بختیاری به اصفهان و یزد بفرستد. این طرح



دیگر نمونه‌های افتخارآفرینی

نمونه‌های برجسته‌ای از پیشرفت زنان ورزشکار ایرانی را می‌توان در بزرگ‌ترین رویدادهای جهانی نیز مشاهده کرد. برای نمونه کیمیا علیزاده، تکواندوکار ایرانی در المپیک ۲۰۱۶ ریو با پیروزی مقابل رقیب سوئدی موفق به کسب مدال برنز شد و بدین ترتیب اولین زن ایرانی تاریخ شد که در بازی‌های المپیک مدال می‌گیرد.

همچنین زهرانعمتی، قهرمان تیراندازی با کمان پارالمپیک ایران در بازی‌های پارالمپیک ۲۰۱۲ لندن، مدال طلای انفرادی گرفت و اولین زن ایرانی شد که در تاریخ بازی‌های المپیک یا پارالمپیک به مدال طلا دست می‌یابد. در المپیک اخیر پاریس ۲۰۲۴ نیز ناهید کیانی، تکواندوکار جوان ایران با راهیابی به دیدار فینال وزن ۵۷- کیلوگرم تاریخ‌سازی کرد. او با کسب مدال نقره المپیک، اولین مدال نقره زنان ایران در تاریخ المپیک را به ارمان آورد. این موفقیت‌ها نه تنها برای خود ورزشکاران بلکه



برای کل جامعه ورزش بانوان ایران، انگیزه‌بخش و امیدآفرین بوده است.

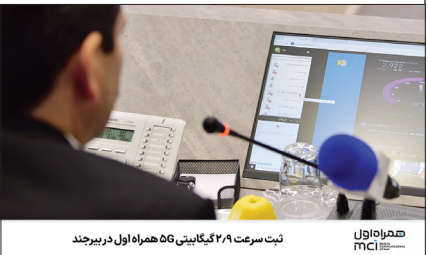
در رشته‌های دیگر نیز زنان ایران افتخارات جدیدی به ثبت رسانده‌اند. برای مثال حمیده عباسعلی در رشته کاراته، نخستین زن ایرانی است که در مسابقات قهرمانی جهان روی سکو ایستاد؛ او در قهرمانی جهان ۲۰۱۴ آلمان مدال نقره گرفت. یکتا جمالی، وزنه‌بردار دسته ۸۷ کیلوگرم با کسب مدال برنز در قهرمانی جوانان جهان ۲۰۲۱ اولین زن ایرانی شد که در مسابقات جهانی وزنه‌برداری مدال گرفت. علاوه بر این بانوان ملی‌پوش ایران در رشته‌های گروهی مانند والیبال نشسته و بسکتبال سه نفره (۳×۳) نیز در رقابت‌های آسیایی و جهانی، موفق به کسب مدال‌های معتبر شده‌اند. مجموع این دستاوردها نشان می‌دهد که ورزشکاران زن ایرانی در رشته‌ها و رده‌های مختلف با وجود موانع فراوان در حال پیشرفت چشمگیر هستند.

گزارش ویژه

ثبت سرعت ۲۰۹ گیگابیتی ۵۶ همراه اول در بیرجند

همزمان با سفر وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات به خراسان جنوبی برای بهره‌برداری از پروژه‌های ارتباطی، همراه اول از سایت جدید ۵G خود رونمایی کرد و سرعت ۲۹۲۲ مگابیت برثانیه را به ثبت رساند. به گزارش مرکز ارتباطات، توسعه برند و رویدادهای بین‌المللی همراه اول، آیین افتتاح پروژه‌های حوزه ارتباطات و فناوری اطلاعات خراسان جنوبی روز شنبه ۵ مهر ۱۴۰۴ با حضور سیدستار هاشمی وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، سیدمحمدرضا هاشمی، استاندار خراسان‌جنوبی، جمعی از معاونان وزیر ارتباطات، نمایندگان مجلس، مدیران و فعالان اقتصادی استان، نمایندگان اپراتورهای تلفن همراه در بیرجند برگزار و ۶۱ پروژه ارتباطی به ارزش بیش از ۴۹۰۰ میلیارد ریال به‌صورت ویدیویی افتتاح شد.

در جریان این مراسم، همراه اول از راه‌اندازی سایت ۵G مرکز مخابراتی انقلاب بیرجند همچنین تجهیز و ارتقای ۱۷ سایت نسل چهارم و ۱۲ تعویض دکل در خراسان‌جنوبی به ارزش ۱۵۷۰ میلیارد ریال خبر داد. اپراتور اول ارتباطی کشور همچنین سایت ۴G/۲G روستای اسفهرود از توابع بیرجند را بهره‌برداری کرد. با بهره‌برداری از سایت روستای اسفهرود، تعداد سایت‌های USO همراه اول در خراسان‌جنوبی به ۲۴۲ و شمار روستاهای تحت پوشش استان به ۳۰۳ عدد رسید. همچنین در بخشی از این مراسم به دستور وزیر ارتباطات، تست سرعت سایت جدید ۵G همراه اول در بیرجند انجام و سرعت ۲۹۲۲ مگابیت برثانیه به ثبت رسید. وزیر ارتباطات در این مراسم از تلاش‌های همراه اول در دو بخش توسعه ارتباطات روستایی همچنین توسعه فناوری ۵G قدردانی کرد. گفتنی است، همراه اول از آغاز طرح USO در کشور تاکنون با تجهیز و بهره‌برداری از ۶۷۵۰ سایت ارتباطی، دسترسی ۷۹۹۵ روستا را به اینترنت پرسرعت فراهم کرده است.



ثبت سرعت ۲۰۹ گیگابیتی ۵G همراه اول در بیرجند

همراه اول mci

غانله‌ای ملی تبدیل شد.

